

این کشور را مستعد توفان‌های دریایی، امواج قوی، جزر و مدهای گسترده و در جنوب شرقی مستعد سونامی کرده‌اند.

ملاحظه می‌کنید در این پهنه جغرافیایی همین برخوردهای آب و هوایی و زمین‌شناختی و هیدروگرافیک (هیدرودینامیکی) کفایت می‌کند که کشوری با مخاطرات محیطی یا طبیعی متعدد داشته باشیم و این امر به ما یادآوری می‌کند که باید «زندگی در مخاطره» را بیاموزیم و به نسل‌های آینده نیز آموزش دهیم.

معمولا در مدیریت مخاطرات محیطی به چهار بخش توجه می‌شود: آمادگی برای وقوع مخاطره، پاسخ به مخاطره، بازیابی یا احیای پس از وقوع مخاطره و در نهایت، کاهش آسیب‌ها. به عبارتی، اگر بخواهیم در این سرزمین پرمخاطره زندگی کنیم باید همواره به چرخه این چهار بخش توجه کنیم.

آمادگی برای مخاطره را می‌توان به دو قسمت «آموزش برای زیستن در خطر» و «پژوهش درباره مخاطره» تقسیم‌بندی کرد. در بخش آموزش، جغرافی‌دانان با آموزش علل وقوع پدیده‌های طبیعت در

زندگی در مخاطره

جغرافی‌دانان و مخاطرات محیطی

دکتر سیاوش شایان

کتاب‌های

درسی از ابتدایی

تا متوسطه و آموزش

تخصصی در دانشگاه‌ها

تلاش‌های ارزشمند و قابل توجهی

داشته‌اند.

ده‌ها صفحه از کتاب‌های جغرافیا در

مقاطع مختلف تحصیلی عمومی (ابتدایی تا

متوسطه) و مجله رشد و آموزش جغرافیا (برای دبیران

آینده کشور) به بررسی پدیده‌های طبیعی (محیطی)

و علل وقوع آن‌ها و پهنه‌های در معرض آن‌ها) در کتاب‌های

استان‌شناسی) اختصاص یافته است. تقریباً می‌توان ادعا کرد که هیچ

دانش‌آموزی نیست که تا دیپلم متوسطه درس خوانده باشد و درباره

ماهیت این مخاطرات و چگونگی روبرویی با آن‌ها آموزش ندیده باشد.

این آموزش‌ها اگر هم کامل نیست، باید با آموزش‌های تکمیلی در

رسانه‌های جمعی (صدا و سیما)، شبکه‌های اجتماعی، کارگاه‌های

مشارکتی، مطبوعات و حتی سازمان‌های مرتبط به کمال برسد.

بعد دیگر آمادگی برای مخاطرات محیطی انجام پژوهش‌های

کاربردی و یافتن راه‌حل‌ها و مکان‌گزینی فعالیت‌های کاربری زمین

و انتخاب مکان‌های نسبتاً مناسب برای استقرار شهرها و روستاها و

تعیین میزان مخاطراتی است که این‌گونه فعالیت‌ها مکان‌های استقرار

و سکونت انسان را در گستره کشور تهدید می‌کنند.

بررسی چند مجله/ فصل‌نامه علمی - ترویجی - آموزشی و پژوهشی

● موقعیت جغرافیایی کشور ما که

در چهارراه آب و هوایی، زمین‌شناختی و

هیدروگرافیکی جنوب‌غرب آسیا قرار دارد آن را با

مخاطرات محیطی متنوع و متفاوت روبه‌رو کرده است.

از سویی توده‌های هوا از سیبری، قفقاز، اقیانوس اطلس و

بیابان (صحرا) آفریقا و دریای سرخ و سودان به کشور ما وارد

می‌شوند و آن را محل فعالیت‌های خود قرار می‌دهند که ممکن

است به شکل مخاطرات آب و هوایی و هیدرولوژیک (مثل سیلاب)

داغباد و توفان‌های رگباری و توفان‌های گرد و غبار (ریزگردها) خود

را نشان دهند و از سوی دیگر قرار گرفتن در میان صفحات تکتونیکی

عربستان، اقیانوس هند، ایران مرکزی و سیبری (روسیه) که حرارت

آن‌ها ممکن است باعث وقوع زمین‌لرزه‌های متعدد شود. ویژگی‌های

هیدروگرافیک - هیدرولوژیک دریاها و اقیانوس‌های پیرامون ایران نیز

جغرافیایی نشان می‌دهد که در زمینه‌های مذکور جغرافی دانان کم‌کاری نکرده‌اند. ده‌ها پایان‌نامه و رساله‌های دانشگاهی و مقاله‌های حاصل از آن‌ها که در این مجلات به چاپ رسیده‌اند همه نشانه‌های پرکاری جغرافی دانان در جهت انجام وظایف این حوزه در قبال ساکنان این سرزمین است. جست‌وجوی مختصری در موتورهای جست‌وجوی عمومی و تخصصی درباره سیلاب، زمین‌لرزه، حرکات دامنه‌ای (لغزش، ریزش و همانند آن‌ها) و همچنین الگوی توفان‌ها و ریزش‌های رگباری و پهنه‌بندی این پدیده‌ها در مقیاس‌های ملی، منطقه‌ای و محلی، نشان می‌دهد که صدها مقاله در سطوح مختلف از سوی جغرافی دانان نوشته شده و راهکارهای کاهش آثار مخرب این پدیده‌ها در مکان‌های گوناگون کشور ارائه شده است. می‌توان گفت در این زمینه نیز جغرافی دانان نمونه قابل قبولی دریافت می‌کنند. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که با توجه به وجود نسخه‌های فراوان برای در امان ماندن از مخاطراتی چون سیلاب (که نمونه آن را در سطح گسترده در اوایل سال جاری در بیش از بیست استان کشور مشاهده کردیم) و همچنین تجویزهایی برای حرکت‌های دامنه‌ای و کاهش آثار زمین‌لرزه‌ها و غیره، چرا باز هم در زمان بروز این پدیده‌ها و مخاطرات ناشی از آن‌ها همه ما یافته‌های علمی را فراموش می‌کنیم و انگار نه انگار که در این سرزمین پژوهش‌های متعدد در باب این پدیده‌ها انجام و توصیه‌ها، راهکارها و پیشنهادها گوناگون ارائه شده است!!

در پاسخ به مخاطره، یعنی دومین مرحله مدیریت مخاطرات محیطی، بیش از هر چیز، بارانی از سؤالات متعدد بر جغرافی دانان می‌بارد! همه درباره علل بروز پدیده، تأثیر آن بر زندگی مردم منطقه مورد نظر و راهکارهای کاهش آثار مخرب

آن می‌پرسند و جغرافی دانان بر حسب میزان درک و دانش خود به این سؤالات پاسخ می‌دهند. اما مشکل آنجاست که در این مرحله گاهی جغرافی دانان به رسانه‌های گروهی و اجتماعی به شکل مطلوب و گسترده دسترسی ندارند تا پاسخ‌های خود را به اطلاع سایر سؤال‌کنندگانی که در فاصله‌های دور زندگی می‌کنند، برسانند. با این حال، بررسی‌های میدانی و شواهد در زمینه سیلاب اخیر و وقایع قبلی زمین‌لرزه و همانند آن‌ها نشان می‌دهد که جغرافی دانان تا آنجا که توانسته‌اند به سؤالات دانش‌آموزان، خانواده‌ها و جوامع محلی پاسخ داده و آن‌ها را روشن کرده‌اند. در هنگام بروز این وقایع معمولاً کنجکاو افراد جامعه نسبت به پدیده مخاطره و سایر پدیده‌های طبیعت برانگیخته می‌شود و این امر فرصت خوبی است که با ارائه پاسخ‌های مستدل و علمی به کنجکاوهای مردم پاسخ داد و روحیه تفکر علمی آنان را ارتقا بخشید. مسلماً با بهره‌گیری از رسانه‌های گروهی همچون صدا و سیما، مطبوعات و میزگردها و جلسات پرسش و پاسخ، می‌توان این روحیه را در میان جمع بیشتری گسترش داد و از بروز شایعات بی‌اساس و غیرعلمی و رواج آن در میان جامعه جلوگیری کرد.

سومین مرحله، مرحله بازیابی یا احیای جامعه در معرض مخاطره است، یعنی کسانی که به مخاطراتی نظیر سیلاب گرفتار آمده‌اند یا بر اثر رانش زمین، املاک و خانه‌ها و زمین‌های کشاورزی خود را از دست داده‌اند یا جاده‌ها و ارتباطات آن‌ها با دیگر جوامع به طور موقت بر اثر مخاطره قطع شده است. در این مرحله معمولاً سازمان‌ها و گروه‌ها و داوطلبان امداد و نجات و دیگر سازمان‌های

امدادی به کمک حادثه‌دیدگان می‌شتابند.

معمولاً این امر هنگامی

کارآمد خواهد بود که به شکل

سازمان‌یافته و با شناسایی زمینه‌های

جغرافیایی، اجتماعی، روحی و روانی جامعه

حادثه‌دیدنده همراه باشد. همچنین این کار باید

با مشارکت مردم محلی و با دیدگاهی همسو با

حادثه‌دیدگان صورت گیرد. هرچه مشارکت مردمی در

این زمینه در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و ملی بیشتر

باشد، عبور از مرحله بازیابی و احیای جامعه و افزایش تاب‌آوری

آنان تا بازگشت به شرایط زندگی قبل از مخاطره آسان‌تر و سریع‌تر

انجام می‌گیرد. جغرافی دانان در این مرحله در قالب گروه‌های داوطلب

و سازمان‌های امداد و نجات و گروه‌های مردمی در جریان سیلاب‌های

اخیر، زلزله‌های سال‌های گذشته و سایر وقایع وارد عمل شده و تا

آنجا که توانسته‌اند به التیام دردهای مردم و تسکین ناراحتی‌های

جوامع حادثه‌دیدنده پرداخته‌اند. اگرچه آماری از حضور جغرافی دانان

در جریان این وقایع در دسترس نیست، اما با توجه به روحیه

از خودگذشتگی، نوع‌دوستی و محبتی که از جغرافی دانان سراغ داریم،

مسلماً در این مرحله نیز از یاری سانحه‌دیدگان با روش‌های گوناگون،

اهدای کمک‌های مالی، اهدای وسایل زندگی، حضور در محل حادثه

و هرگونه کمک که از آنان ساخته است، دریغ نکرده‌اند. این امر البته

مخصوصاً به جغرافی دانان نیست و همه متخصصان رشته‌های مختلف

و حتی مردم عامی را در برمی‌گیرد.

بالاخره مرحله چهارم، یعنی کاهش آسیب‌ها و آمادگی برای

دوره مخاطرات فرا می‌رسد که در قالب ارائه راهکارها، مشاوره‌ها و

شرکت در جلسات بازسازی و ارائه تخصص‌های ویژه جغرافی دانان

انجام می‌گیرد و جغرافی دانان با توجه به آموخته‌های خود از

تکرار وقایع و دامنه وقوع آن‌ها می‌توانند مشاوره‌های ارزشمندی

در باب انتخاب مکان‌های مناسب استقرار فعالیت‌ها و مکان‌های

توسعه آینده روستاها و شهرها، چگونگی بازسازی راه‌های ارتباطی

و نگهداری آن‌ها، مشخص کردن کاربری‌های زمین با توجه به

ویژگی‌های زمین و پدیده‌های جغرافیایی منطقه مورد نظر

ارائه دهند و گروه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای مسئول را در این

زمینه‌ها و دیگر مواردی که مرتبط با آموخته‌های جغرافیایی آنان

است، یاری کنند. ما اطلاعات و آماری از مشارکت جغرافی دانان

در مرحله چهارم سیلاب‌های اخیر کشورمان، توفان‌های گرد و

غبار سال‌های اخیر، خشکسالی‌های طولانی، فرونشست زمین،

زمین‌لرزه‌ها، حرکات‌های دامنه‌ای و توفان‌های رگباری نداریم، اما

می‌دانیم هر جا به جغرافی دانان مراجعه شده است آنان با رویی

گشاده و آغوشی باز از پیشنهادها همکاری استقبال کرده‌اند.

البته فراموش نکنیم که این امر به اراده تصمیم‌گیران و مسئولان

بسیاری از نکات ریز و درشت وابسته است و باید تقاضایی باشد تا

عرضه صورت گیرد.

اگر می‌خواهید دنباله این حکایت جغرافی دانان و مخاطرات

محیطی را بدانید، دوباره مرحله اول را در این نوشته با دقت مطالعه

کنید.